گزارش

زندگی اشرافی و تسلیم؛ دوری از اهداف انقلاب

ادامه از صفحه ۲/ بنابراین نگاه به آینده مهم است. ایشان در ادامه، فعالیت‌های پر شمار انجام‌شده در چهار دهه گذشته را بسیار ثمربخش و موجب استمرار انقلاب دانستند و گفتند: نباید مشکلات نقد بر روی انبوه پیشرفت‌های بزرگ غبار بنشاند. مقام معظم رهبری با اشاره به پیشرفت حیرت‌آور علمی در بخش‌های مختلف و اذعان مراکز جهانی به سرعت رشد علمی ایران چندین برابر میانگین جهانی، خاطرنشان کردند: انقلاب همچنین موجب پیشرفت‌های شگفتی‌آور در زیرساخت‌های اساسی مانند راهسازی، سدسازی، آب‌رسانی، برق‌رسانی، و خدمات سلامت و پزشکی نیز شد که اگر انقلاب و حرکت جهادی نبود، قطعاً این پیشرفت‌ها به‌دست نمی‌آمد. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای با اشاره به فضاوت مراکز جهانی درباره بهبود شاخص‌های اقتصادی ایران پس از انقلاب گفتند: با وجود آنکه بنده در زمینه مسائل اقتصادی مانند عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و نابرخورداری طبقات ضعیف همواره انتقاد دارم اما حتی در مسئله اقتصاد نیز به گزارش مراکز انگلیسی معروف دنیا، پیشرفت‌های بزرگی ایجاد شده است، ضمن اینکه در خودکفایی بسیاری از اقلام و افزایش اعتماد به نفس تولیدکننده داخلی پیشرفت‌های مهمی داشته‌ایم. ایشان تأکید کردند: رسانه‌ملی در انعکاس دستاوردهای بخش تولید تکلیف بزرگی دارد که البته آنچنان که باید و شاید به آن عمل نشده است و این کار باید انجام شود. مقام معظم رهبری خاطرنشان کردند: همه فعالان در بخش‌های مختلف به تداوم انقلاب در پاسخ به ۴۳ سال کمک کردند البته بعضی از غفلت‌ها، کم‌کاری‌ها و سوءنیت‌ها نیز وجود داشته است که اگر نبود، وضع کشور بهتر بود.

راه مقابله با فشار اقتصادی

مقام معظم رهبری علت این حجم از دشمنی‌ها علیه انقلاب را «زنده و زاینده بودن انقلاب» خواندند و افزودند: زنده بودن انقلاب یعنی دلبستگی عمومی مردم و نسل‌های جدید به آرمان‌های انقلاب که اگر این دلبستگی و ایستادگی نبود، دشمن نیازی نداشت این همه خبات به خرج دهد، بنابراین دشمنی‌ها به علت پایداری و وفاداری ملت به اهداف انقلاب است. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، اظهار نظر بعضی از افراد مدعی دلبستگی به انقلاب مبنی بر دور شدن انقلاب از اهداف را صادقانه ندانستند و افزودند: کسانی که زندگی و منشی اشرافی دارند یا دم از تسلیم در مقابل استکبار و آمریکا می‌زنند، نمی‌توانند مدعی پایبندی و دلبستگی به انقلاب باشند چرا که شعار انقلاب حمایت از پابرهنگان و محرومان، و مقابله با استکبار است و بیان این حرف‌ها از آن افراد قابل قبول نیست. ایشان ایستادگی و مقاومت افتخارآفرین ملت ایران را نه تنها موجب پیشرفت کشور بلکه دارای تأثیرات مهم منطقه‌ای برشمردند و خاطرنشان کردند: مقاومت رو به رشد در منطقه، لهیب استکبار را در هم شکسته و زبان ملتها را در مقابل آمریکا گشوده است که باید این نعمت را با استمرار انقلاب، قدر بدانیم. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در ادامه یک سفارش مهم به جوانان داشتند: مبنی بر اینکه ببینید دشمن کدام نقطه را هدف گرفته است و شما در نقطه مقابل آن، حرکت و عمل کنید. ایشان افزودند: دشمن امروز افکار عمومی به‌ویژه فکر و ذهن جوان‌ها را هدف گرفته است تا با هزینه کردن میلیاردها دلار و با طراحی‌های مختلف در اتاق‌های فکرشان، بتوانند ملت ایران و به خصوص جوانان را از مسیر انقلاب برگردانند. مقام معظم رهبری «فشار اقتصادی» و «عملیات روانی»، را دو ابزار اصلی استکبار برای جدا کردن مردم از نظام و دستکاری در فکر آنها برشمردند و گفتند: دروغ‌پردازی و تهمت‌زنی به ارکان انقلاب و مراکزی که در پیشرفت انقلاب تأثیر دارند، شیوه‌ایی است که در عملیات روانی استفاده می‌شود. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، تهمت زنی به مجلس، شورای نگهبان، سپاه و شهید بزرگوار سردار سلیمانی را نمونه‌هایی از این لجن‌پراکنی‌ها خواندند و خاطرنشان کردند: آنها اگر از خشم مردم نمی‌ترسیدند، به امام هم تهمت می‌زدند اما جرأت این کار را ندارند. ایشان با تأکید بر اینکه جوان‌ها و ملت ایران باید در مقابل تهمت‌زنی و دروغ‌پردازی‌های رسانه‌ای و همچنین فشار اقتصادی بایستند، گفتند: راه مقابله با فشار اقتصادی، تلاش درونی و خنثی کردن تحریم‌ها است البته در کنار آن تلاش دیپلماسی نیز خوب است همچنان که برادران خوب و انقلابی ما برای از بین بردن تحریم‌ها و مجاب کردن طرف مقابل مشغول کار هستند. مقام معظم رهبری تأکید کردند: کار عمده در مقابله با فشار اقتصادی، خنثی کردن تحریم‌ها از طریق تقویت تولید و تحرک اقتصادی است که در این زمینه حرکت دانش‌بنیان‌ها بسیار مهم است. ایشان همچنین همگان به‌ویژه جوانان را به دعا، توسل و بهره‌مندی از برکات روز نیمه رجب فراخواندند و گفتند: ارتباط با خدا به زندگی، کشور و آینده انقلاب برکت می‌بخشد.

دیدگاه

تغییر نمی‌کنیم، پس هستیم!

ادامه از صفحه اول/ با این همه مصائبات بر سر مردم چه خواهد آورد؟ اینها وصدها نمونه دیگر نشان می‌دهد که اراده و فکر تغییر در کشور به حداقل خود رسیده است و حتی در بدترین شرایط توان یا انگیزه لازم برای آزمودن راه‌های نو چندان که باید وجود ندارد. نکته کلیدی‌تر، کاش برای این همه مقاومت در برابر لزوم تغییرات ضروری حد و مرزی مشخص می‌شد، مثلا محاسباتی پیرامون این که تحمل مردم در برابر افزایش تورم صورت می‌گرفت و میان خودشان قرار می‌گذاشتند که اگر تورم از ۴۰درصد، ۵۰درصد یا هر درصدی عبور کند سیاست‌ها را تغییردهند و جلوان گرفته شود. دریخت ناهنجاری‌های اجتماعی و اعلام خشونت به کجا باید برسد که ضرورت تغییر در برخی از قوانین اعمال شود؟ فردی سرهمسر خود را می‌برد و درخیابان‌ها می‌چرخاند و ارکان جامعه را می‌لرزاند ولی خیلی زود سروصدا‌ها می‌خوابد تا باز هم درجای دیگر شاهد فاجعه دیگری باشیم! درهمین یک مورد حداقل تاکنون نشان داده‌ایم که هر اتفاق و حادثه‌ای با هرمیزان از سطح خشونت قرار نیست که ما را در فکر فرو برد و برای جلوگیری از اینها چاره اساسی پیدا کنیم. در مفاسد اقتصادی همان اختلاس اکبر ۳ میلیاردی کافی بود که همه دستگاه‌ها حتم نوشدند فساد اقتصادی از جایی بگیرند و در مقابله با آن انقلابی ناقد صورت گیرد و جلوی جامع وکارشناسانه به کار آید و هیچ ملاحظه‌ای در قرار نباشد و کشور برای همیشه درمقابل فساد اقتصادی بیمه شود ولی اینچنین نشد و می‌بینیم که هنوز هم هرازگاهی فسادی علنی می‌شود و میهن‌مان می‌کند! در واقع شاید رفته رفته عدم تغییر چنان در روح و روان و جانمان نفوذ کرده که گویی بخشی ازهویتمان شده است. بعید نیست فردی واقع بین وشجاع وصریح پیدا شود وبه نمایندگی ازهمه اعلام کند که ما تغییرنمی کنیم، پس هستیم!

دکتر پیروز مجتهدزاده در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تالج بازی آمریکا و ایران تمام نشود؛ تغییری نخواهیم دید

عکس: آرمان ملی/ فاطمه فتاحی

جهان سیاست خارجی بزرگتر از اصولگرایی و اصلاح‌طلبی است

نقش روسیه پررنگ نشده نقش ما کم رنگ شده

هیچ تغییری در سیاست خارجی مشاهده نمی‌کنم

سیاست خارجی ما همچنان اسیر شعارهای ایدئولوژیک است

دنیای سیاست وسیع‌تر از دنیای اصلاح‌طلبان و اصولگرایان است

مذاکره روحانی با غرب به معنای تمایل به غرب نبود

لحظه‌ای استعداد تغییر در سیاست خارجی را به وجود بیاوریم

تفاوتی بین دولت روحانی و رئیسی در سیاست خارجی نیست

به‌جای سرزنش روسیه در سیاست خارجی تجدید نظر کنیم

در دنیای امروز هیچ کشوری نمی‌تواند برای کشور دیگر شریک قابل اعتمادی باشد

آرمان ملی- احسان انصاری: نقش روسیه به شکل غیرمتعارفی در مذاکرات وین پررنگ شده است. روسیه حتی بدون حضور ایران با کشورهای اروپایی مذاکره می‌کند. از سوی دیگر ادای احترام سفیر روسیه در ایران نسبت به بنای یادبود گریبایدوف به‌عنوان معمار قرارداد ترکمانچای با واکنش‌های زیادی در ایران همراه بوده است. سؤال اینجاست که در شرایط کنونی اتحاد ایران و روسیه چگونه می‌تواند منافع ملی ما را تأمین کند؟ در شرایط کنونی روسیه چه کمکی می‌تواند به ایران کند؟ چرا روابط ایران و روسیه تا به این اندازه سؤال‌برانگیز شده است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سؤالات با دکتر پیروز مجتهدزاده تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌خوانید.

روابط ایران و روسیه در تاریخ همواره با فراز و نشیب همراه بوده است. این در حالی است که امروز این کشور به متحد ایران در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. تحلیل شما از روابط تاریخی این دو کشور چیست؟

از نظر تاریخی روابط ایران و روسیه باید گفت که در ابتدای این مناسبات ایران یک امپراتوری قدرتمند بود و روسیه یک خان‌نشین ضعیف در اطراف مسکو که مستقیما با هم کاری نداشتند. بعدها که پترکبیر و کاترین بزرگ روسیه را تبدیل به یک امپراتوری قدرتمند کردند ایران عصر قاجاری به سراشیب بی‌قدرتی افتاد و در جنگ‌های دوم ایران و روسیه که تماما تقصیر عباس میرزا قاجار بود به‌واسطه قرارداد ترکمانچای ایران به تحت‌الحمایه روسیه تبدیل شد. در انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ شوروی به میمنت تشکیل پادشاهی پهلوی همه جنبه‌های استعماری قرارداد ترکمانچای را در سال ۱۹۲۱ لغو کرد منهای پس دادن سرزمین‌هایی که روسیه تزاری در جنگ از ایران و یک کشور بی‌طرف را به یک شریک قابل اعتماد تبدیل کنیم. شرایط به شکلی نیست که یک کشور بدون هیچ دلیل و پیش‌زمینه‌ای برای کشور دیگر قابل اعتماد باشد. چنین چیزی در جهان امروز وجود ندارد. هنر در سیاست این است که دشمنان خود را نیز به دوست تبدیل کنید. به‌صورت طبیعی هیچ کشوری در عرصه بین‌المللی دوست و یا دشمن کشور دیگر نیست.

چرا نقش روسیه در مذاکرات وین تا به این اندازه پررنگ شده است؟ این کشور چه منافعی را در مذاکرات دنبال می‌کند؟

واقعیت این است که نقش روسیه در مذاکرات پررنگ نشده و این نقش ایران کمرنگ شده است. خود ما کاری کردیم که این اتفاق رخ بدهد. ما خود را ارزان کرده‌ایم. ما به شکلی در عرصه بین‌المللی رفتار کردیم که آمریکا و کشورهای اروپایی به این برداشت رسیدند که روسیه متحد ایران در مذاکرات است. ما چنین اجازه‌ای دادیم و زمینه این وضعیت را ایجاد کردیم. روسیه به‌تنهایی نمی‌تواند معجزه کند. ما باید بپذیریم که دولت‌هایی که در ایران در چهار دهه گذشته روی کار آمده‌اند در زمینه سیاست خارجی پیشرفت چشمگیری نداشته‌اند. ما در سیاست خارجی دچار شعارزدگی ایدئولوژیک بوده‌ایم و به همین دلیل در طول این چهار دهه گذشته درجا زده‌ایم. در شرایط کنونی نیز حاضر به بازنگری در این رویکرد نیستیم. عملکرد ما در عرصه سیاست خارجی به شکلی بوده که برخی کشورها اعتماد خود را نسبت به ما از دست داده‌اند. از سوی دیگر موفق نشده‌ایم اعتماد کشورهای جدیدی را به دست بیاوریم تا منافع ملی خود را تأمین کنیم. امروز ما نمی‌توانیم روسیه را سرزنش کنیم.

> نقش روسیه در مذاکرات پررنگ نشده و این نقش ایران است که کمرنگ شده است. خود ما کاری کردیم که این اتفاق رخ بدهد. ما خود را ارزان کرده‌ایم. ما به شکلی در عرصه بین‌المللی رفتار کردیم که آمریکا و کشورهای اروپایی به این برداشت رسیدند که روسیه متحد ایران در مذاکرات است. روسیه به‌تنهایی نمی‌تواند معجزه کند

اگر منظور این است که روسیه رویکرد استعماری دارد سؤال این است که در جهان امروز کدام کشوری را می‌شناسید که برای منافع ملی خود رویکرد استعماری نداشته باشد؟ ما نباید اجازه بدهیم کشوری یا ما به‌صورت استعماری برخورد کند. ما نباید اجازه بدهیم کشوری از دوستی ما با سوءاستفاده کند. ایران یک کشور سرزنده، معتبر و بسیار مهم در منطقه است. اگر کشوری با ما رفتاری به‌جز این می‌کند تقصیر خودمان است. در سیاست خارجی دریافت‌های لازم را به کار نمی‌بریم.

چرا رویکرد ما در سیاست خارجی به شکلی بوده که دریافت‌های لازم را نداشته‌ایم؟

در هشت سال گذشته دولتی در ایران روی کار آمده بود که مورد حمایت اصلاح‌طلبان بود و اغلب اعضای کابینه اصلاح‌طلب بودند. پس از این دوران در شرایط کنونی دولتی روی کار آمده که اصولگرا است. با این وجود در عمل مشاهده می‌کنیم که رویکرد عمل کند و حتی در چند ماه نخست به موضوع برجام نپرداخت. در نتیجه محدودیت‌های ایران ادامه یافت.

این احتمال وجود دارد که در دوی توافق شکل نگیرد؟

همه چیز به خودمان بستگی دارد. باید توجه داشته باشیم که آمریکا در کل تحریم ایران نیست زیرا برخی فکر می‌کنند که مردم آمریکا هستند که از تحریم و مشکلات اقتصادی و بیکاری و تورم رنج می‌برند نه ایرانی‌ها. برخی خود به جایگاهی رسیده و پست و مقامی دارند و درآمدی برای خود به احترامی می‌تواند برسد. ما نباید اجازه بدهیم کشوری از دوستی ما با سوءاستفاده کند. ایران یک کشور سرزنده، معتبر و بسیار مهم در منطقه است. اگر کشوری با ما رفتاری به‌جز این می‌کند تقصیر خودمان است. در سیاست خارجی دریافت‌های لازم را به کار نمی‌بریم.

چرا رویکرد ما در سیاست خارجی به شکلی بوده که دریافت‌های لازم را نداشته‌ایم؟

> برخی خود به جایگاهی رسیده و پست و مقامی دارند و از درد و گرفتاری مردم خبری ندارند. مردم امروز به صلح و آرامش و کار و تولید و صنعت و رفاه و سلامت و بهداشت و آموزش نیاز دارند. ایران امروز به توهمات عده‌ای که در خود غوطه‌ورند نیازی ندارد

در هر دوره که در جهان امروز کدام کشوری با ما دشمنی کند ما در ایران همواره با آن کنار آمده‌ایم. ما در سیاست خارجی دریافت‌های لازم را به کار نبردیم. این افراد باید به جای ارائه نسخه‌هایی که تنها شدن کشور را به دنبال دارد به سوادآموزی از تکنولوژی بین‌المللی و تحصیل تجربه دنیا مشغول شوند. در زیرویم پیشنهادات غیراصولی می‌توان دید که برخی هم سودای مطرح شدن و نابغه قرن بودن را در سر دارند. این طیف همواره به عنوان یک اقدام دوجانبه مطرح شناخته بشود. آنها با کوبیدن بر طبل تندروی قدرت نمایی می‌کنند. در حالی که قدرت سیاستمداران موفق جهان را باید در مغز متفکر و شعور و درک بالا و توانمندی و سواد و احساس مسئولیت رسیده است و این یک فرصت خوب برای سیاست خارجی ایران بوده است زیرا روسیه همواره با استفاده از تحریم ایران سود بیشتری از بازار انرژی جهان به‌دست آورده است و امروز نیز ایران می‌تواند حداقل بخشی از سهم خود را پس بگیرد. از این طریق می‌توان حتی یک همکاری جدتابعه شکل داد و زودتر به تحریم‌ها غلبه کرد. این طریق باید به خواسته خود برسد و گازشان از طریق ایران تامین شود. متاسفانه به این موارد در مذاکرات توجه نمی‌شود و فرصت‌ها برای کشور از بین می‌رود و به جای فرصت‌ها برای کشور چالش سازی می‌شود. رسیدن به توافق هسته‌ای چیزی نیست که ایالات متحده آمریکا به آن احتیاج ضروری داشته باشد. برای آمریکا رسیدن به تفاهم مهم است. اما بدون این احتمال هم آموزش را به پیش می‌برد. اما توافق برای ما هم مهم است، هم به آن احتیاج داریم. این ماییم که باید به خاطر تحریم مردم‌مان در تنگنایی به سر می‌برند و استقلال اقتصادی و بانکی‌مان را از دست رفته می‌بینیم و به همین دلیل لازم است، همه تلاش‌مان را برای رسیدن به تعامل با نظام بین‌الملل و مشخصا آمریکا به کار بگیریم تا مردم را از گرفتاری‌های روز افزون نجات بدهیم. به نظر می‌رسد مذاکره کنندگان نمی‌توانند بیش از قبل امتیاز بگیرند، به خاطر اینکه از وقتی به برجام شلیک نشانه در تا حالا ما در زمینه‌های مختلف اقتصادی و بازرگانی بین‌المللی زیان کرده‌ایم و بهای محرومیت از حضور در تجارت بین‌المللی اصولی را دادیم. الان همان افرادی که برجام را آتش می‌زدند آمده و می‌خواهند احیا کنند و امتیاز بیشتر بگیرند، درحالی که دست ما نبود که شرط بگذاریم. دیدیم که آنها مدتی بعد از امضای برجام تحریم‌ها را برداشتند و بعد دوباره برگرداندند. البته به نظر من یکی از امتیازات ما تحریم متقابل آمریکا بود چون تحریم اصلا سیاست مجازی نیست و علیه ملت‌ها است و نباید به عنوان یک اقدام دوجانبه مطرح شناخته بشود. اما من چیزی نسبت به دولت فعلی تغییرنکرده است، حتی تحریم‌ها شدیدتر شده و گاهایی که به دلیل مرور برداشتنیم باعث شد که باید‌ن هم به رغم همه فول‌هایی که داده بود و یک کشور بی‌طرف را به یک شریک قابل اعتماد تبدیل کنیم. شرایط به شکلی نیست که یک کشور بدون هیچ دلیل و پیش‌زمینه‌ای برای کشور دیگر قابل اعتماد باشد. چنین چیزی در جهان امروز وجود ندارد. هنر در سیاست این است که دشمنان خود را نیز به دوست تبدیل کنید. به‌صورت طبیعی هیچ کشوری در عرصه بین‌المللی دوست و یا دشمن کشور دیگر نیست.

چرا نقش روسیه در مذاکرات وین تا به این اندازه پررنگ شده است؟ این کشور چه منافعی را در مذاکرات دنبال می‌کند؟

واقعیت این است که نقش روسیه در مذاکرات پررنگ نشده و این نقش ایران کمرنگ شده است. خود ما کاری کردیم که این اتفاق رخ بدهد. ما خود را ارزان کرده‌ایم. ما به شکلی در عرصه بین‌المللی رفتار کردیم که آمریکا و کشورهای اروپایی به این برداشت رسیدند که روسیه متحد ایران در مذاکرات است. ما چنین اجازه‌ای دادیم و زمینه این وضعیت را ایجاد کردیم. روسیه به‌تنهایی نمی‌تواند معجزه کند. ما باید بپذیریم که دولت‌هایی که در ایران در چهار دهه گذشته روی کار آمده‌اند در زمینه سیاست خارجی پیشرفت چشمگیری نداشته‌اند. ما در سیاست خارجی دچار شعارزدگی ایدئولوژیک بوده‌ایم و به همین دلیل در طول این چهار دهه گذشته درجا زده‌ایم. در شرایط کنونی نیز حاضر به بازنگری در این رویکرد نیستیم. عملکرد ما در عرصه سیاست خارجی به شکلی بوده که برخی کشورها اعتماد خود را نسبت به ما از دست داده‌اند. از سوی دیگر موفق نشده‌ایم اعتماد کشورهای جدیدی را به دست بیاوریم تا منافع ملی خود را تأمین کنیم. امروز ما نمی‌توانیم روسیه را سرزنش کنیم.

اگر منظور این است که روسیه رویکرد استعماری دارد سؤال این است که در جهان امروز کدام کشوری را می‌شناسید که برای منافع ملی خود رویکرد استعماری نداشته باشد؟ ما نباید اجازه بدهیم کشوری یا ما به‌صورت استعماری برخورد کند. ما نباید اجازه بدهیم کشوری از دوستی ما با سوءاستفاده کند. ایران یک کشور سرزنده، معتبر و بسیار مهم در منطقه است. اگر کشوری با ما رفتاری به‌جز این می‌کند تقصیر خودمان است. در سیاست خارجی دریافت‌های لازم را به کار نمی‌بریم.

چرا رویکرد ما در سیاست خارجی به شکلی بوده که دریافت‌های لازم را نداشته‌ایم؟

در هشت سال گذشته دولتی در ایران روی کار آمده بود که مورد حمایت اصلاح‌طلبان بود و اغلب اعضای کابینه اصلاح‌طلب بودند. پس از این دوران در شرایط کنونی دولتی روی کار آمده که اصولگرا است. با این وجود در عمل مشاهده می‌کنیم که رویکرد

عکس: آرمان ملی/ فاطمه فتاحی

تمام خواهد شد. چرا که مطمئن باشید فاصله کنونی بین ملت با دولت و حاکمیت چند برابر خواهد شد. نمی‌توان گفت که دور هشتم یک شکست پیشاپیش مانند دور هفتم خواهد بود اما بی‌شک می‌توان این را گفت که به دلیل اصرار دولت بر بسته پیشنهادی دور دوم همچنین پاسخ منفی اروپایی‌ها و آمریکا، این دور از مذاکرات شکننده‌ترین دوره از مذاکرات وین خواهد بود. به هر حال اروپایی‌ها و آمریکا طی شش دور مذاکرات وین با دولت روحانی تقریبا به یک نقطه اشتراک جامع برای حصول توافق رسیده بودند که به نظر می‌رسد با نگاه منفی حاکمیت در تهران، عملا آن مذاکرات در دولت روحانی متوقف شد و بعد از تاخیر فراوان با رویکردی جدید در دولت رئیسی همه آن خروجی و دستاوردهای شش دوره مذاکرات قبلی کنار گذاشته شد که این سبب واکنش منفی و توقف دور هفتم مذاکرات وین شد. به هر حال کشورهای اروپایی و ایالات متحده در کنار روسیه و چین بعد از چراغ سبز دولت رئیسی برای آغاز مذاکرات به کرات عنوان داشتند که نقطه شروع دور هفتم مذاکرات همان نقطه پایان دور ششم مذاکرات در دولت روحانی است. چون مسیر، چارچوب‌ها و توافقات انجام‌شده توسط دولت روحانی در همان فضای قبلی مذاکرات پی گرفته شود که در کمترین زمان مذاکرات به نتیجه برسد. در صورتی که دولت رئیسی با بر بسته‌های پیشنهادی تمام آن چه طی شش دور مذاکره وین در مورد آن گفت‌وگو شده بود یا توافقات اولیه‌ای روی آنها صورت گرفته بود را به باد داد.

چالش ضمانت در مذاکرات چگونه حل و فصل خواهد شد؟

آمریکا با قدرت اقتصادی، نظامی، امنیتی و دیپلماتیک خوب می‌تواند حتی با مذاکره و حصول توافقی چون برجام از آن خارج شود و تحریم‌های خود را مجددا اعمال کند. بله این اقدام غیراخلاقی است، اما در سیاست خارجی چیزی به نام اخلاق وجود ندارد، بلکه دیپلماسی بر مبنای منافع جلو می‌رود. حال ایران در شرایط کنونی از قدرت لازم برای آنکه بخواهد ادبیات و دستور کار مذاکرات وین را از بنیان تغییر دهد برخوردار نیست. به ویژه که فراموش نکنیم طرف مقابل برای مذاکرات با ایران، شش اثر قدرت جهانی در قالب اعضای ۴+۱ و همچنین ایالات متحده آمریکاست. از طرف دیگر شرایط کنونی در کشور به خصوص در حوزه اقتصادی و معیشتی اجازه فرسایشی شدن مذاکرات را نمی‌دهد. پس دولت به جای آنکه مدام بر خواسته‌های خود اصرار بورزد که عملا تحقق هم پیدا نمی‌کند باید به سمت انعطاف دیپلماتیک پیش برود تا یک فضای سازنده و تعاملی در دستور کار قرار گیرد که هرچه زودتر توافقات اولیه انجام شود. در این فضای تعاملی مشخصا می‌توان ضمانت‌های سیاسی بهتری به‌دست آورد که از همکاری‌های منطقیان شامل می‌گیرند. رابطه ایران و آمریکا با افراز و نشیب‌های زیادی همراه است. با این وجود برخی رویکردهای غیرعقلایی که در درون هر دو کشور وجود داشت اجازه نمی‌داد این مناقشه حل شود و به همین دلیل این چنین شکل فرسایشی و درازمدت به خود گرفته است. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد فقدان تجربه کافی در زمینه مدیریت جامعه و روابط بین‌الملل بود که مزید بر علت شد. هرچند این وضعیت به مرور زمان بهبود پیدا کرد. از سوی دیگر کشورهای رادیکال که رفتار عقلایی نداشتند زیر اجازه نمی‌دادند در یک افق وسیع‌تر و با نگاه به منافع منطقه به این موضوع نگاه شود. با این وجود فشارهای گسترده، یک جانبه و خودخواهانه‌ای در سال‌های اخیر به ایران و به خصوص از نظر اقتصادی وارد شد. شرایط به بن بستی کشانده که برای باز کردن این بن‌بست تنها همین یک راه باقی مانده است. از نوع رفتار مذاکره کنندگان چنین برمی‌آید که به دلیل رقابت با دولت قبلی و اینکه بتوانند مشکلات و چالش‌ها را به گردن دولت روحانی بیندازند، پیشنهادات دیگری را مطرح کردهاند. این در حالی است که دولت حسن روحانی اعلام کرد ما به یک تفاهم کلی دست پیدا کرده‌ایم که مورد تأیید مذاکره کنندگان غربی بوده و تنها منتظر حاکمیت بودهاند. این وضعیت تا پایان دولت گذشته وجود داشت و به همین دلیل مذاکرات معلق ماند.

فریدون مجلسی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پسابرجام؛ -ایران حق خود را از بازار انرژی بگیرد

نمی‌توان کنگره را مجبور به کاری کرد

تضمین توافق در فضای همکاری متقابل به دست می‌آید

آرمان ملی- علیرضا پورحسین: در روزهای اخیر بار دیگر نقل قول‌ها در خصوص توافق در وین خبرساز شد و سخنگوی وزارت امور خارجه ایران به انتشار گزارش‌های تحریف شده درباره مذاکرات وین واکنش نشان داد. خطیب‌زاده در صفحه توییتر خود در این زمینه نوشت که انتشار اطلاعات نادرست در پوشش گزارش‌دهی رسانه‌ای کاری خطرناک است. توافق نهایی برای صدور مجوز بازگشت آمریکا به برجام با گزارش بی‌منبعی که شایعه‌سازی کرده‌اند، بسیار متفاوت خواهد بود و با نزدیک شدن به روزهای پایانی، باید منتظر تحریف‌های بیشتری بود. در این راستا نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین در واکنش به توئیت شب گذشته رئیس هیأت مذاکره کننده ایران در وین درباره روند گفت‌وگوها برای رفع تحریم‌های ایران گفت که «با اتفاق نظر دارد. اولیانوف گفته است که اکنون زمان اتخاذ تصمیمات نهایی در گفت‌وگوهای وین درباره برجام است. پیش از این علی باقری در صفحه توئیتر خود درباره آخرین تحولات مذاکرات ایران و ۴+۱ با حضور غیرمستقیم آمریکا برای رفع تحریم‌های کشورمان و بازگشت واشنگتن به برجام خاطرنشان کرده بود که پس از هفته‌ها مذاکرات فشرده، بیش از هر زمان به توافق نزدیک شده‌ایم اما تا وقتی درباره همه چیز توافق نشده باشد، درباره هیچ چیز توافق نشده است. در راستای بررسی این اظهارنظرات «آرمان ملی» گفت‌وگویی با فریدون مجلسی، دیپلمات پیشین کشورمان داشته است که در ادامه می‌خوانید.

عکس: آرمان ملی/ فاطمه فتاحی

صحبت‌های ضد و نقیض روزهای اخیر در خصوص توافق در وین به چه علت است؟

توافق در وین به نظر می‌رسد گرفتار سیاسی بازی شده است. افرادی در داخل مخالف برجام و مذاکره هستند. اینکه همچنان مذاکره مستقیم انجام نمی‌شود به این علت است که هنوز کار شکنی انجام می‌شود. شـرط و شروط گذاشتن در این نقطه از مذاکرات مشخصا کار را سخت می‌کند و ممکن است همه چیز را از بین ببرد. اینکه همواره به دنبال معرفی مقصر باشیم کار درستی نیست و باید به فکر منفعت مردم بود و منافع ملی را دنبال کرد. کسی که متخصص این حوزه است نباید شرطی وضع کند که می‌داند قابل اجرا نیست. مشخصا کنگره آمریکا کاری که ایران می‌خواهد را انجام نخواهد داد. سیستم سیاسی آمریکا این گونه نیست که بتوان از آن امتیاز گرفت. رئیس مجلس نمایندگان صرفا یک نماینده است که امور را اداره می‌کند و اختیارات زیادی ندارد که بخواهد با اتکا به آن گام خاصی بردارد. این موارد باید مورد توجه باشد. در آمریکا این نگاه وجود دارد که ایران مقصر است زیرا از npt پیروی نکرده است و به همین علت آنها زیر بار خواسته ضمانت ما نمی‌روند و برعکس آنها طبق ادعایی که دارند خود خواهان ضمانت هستند. به صورت کلی باید توجه داشت که شاید این صحبت‌ها مصرف داخلی دارد و در پشت پرده خبرهای دیگری باشد و بزودی توافق شکل گیرد.

مذاکرات تحت تاثیر چه چالش‌هایی هنـــوز هم با ابهام پیش می‌رود؟

باید توجه داشت که مـــردان بزرگ سیاست همواره برای حل مشکلات و بحران‌ها پای میز مذاکره حاضر می‌شوند و به صراحت مطالب را مطرح می‌کنند تا مشکلات حل شود. من طرفدار نظریه توطئه در عرصه بین‌الملل نیستم اما باید این مطلب را مدنظر قرار داد که کشورها همواره تلاش می‌کنند بهترین بهره را به نفع کشور خود از تحولات بین‌المللی ببرند. امروز همزمان با مذاکرات وین شاهد هستیم که بحران اوکراین نیز به اوج رسیده است و این یک فرصت خوب برای سیاست خارجی ایران بوده است زیرا روسیه همواره با استفاده از تحریم ایران سود بیشتری از بازار انرژی جهان به‌دست آورده است و امروز نیز ایران می‌تواند حداقل بخشی از سهم خود را پس بگیرد. از این طریق می‌توان حتی یک همکاری جدتابعه شکل داد و زودتر به تحریم‌ها غلبه کرد. این طریق باید به خواسته خود برسد و گازشان از طریق ایران تامین شود. متاسفانه به این موارد در مذاکرات توجه نمی‌شود و فرصت‌ها برای کشور از بین می‌رود و به جای فرصت‌ها برای کشور چالش سازی می‌شود. رسیدن به توافق هسته‌ای چیزی نیست که ایالات متحده آمریکا به آن احتیاج ضروری داشته باشد. برای آمریکا رسیدن به تفاهم مهم است. اما بدون این احتمال هم آموزش را به پیش می‌برد. اما توافق برای ما هم مهم است، هم به آن احتیاج داریم. این ماییم که باید به خاطر تحریم مردم‌مان در تنگنایی به سر می‌برند و استقلال اقتصادی و بانکی‌مان را از دست رفته می‌بینیم و به همین دلیل لازم است، همه تلاش‌مان را برای رسیدن به تعامل با نظام بین‌الملل و مشخصا آمریکا به کار بگیریم تا مردم را از گرفتاری‌های روز افزون نجات بدهیم. به نظر می‌رسد مذاکره کنندگان نمی‌توانند بیش از قبل امتیاز بگیرند، به خاطر اینکه از وقتی به برجام شلیک نشانه در تا حالا ما در زمینه‌های مختلف اقتصادی و بازرگانی بین‌المللی زیان کرده‌ایم و بهای محرومیت از حضور در تجارت بین‌المللی اصولی را دادیم. الان همان افرادی که برجام را آتش می‌زدند آمده و می‌خواهند احیا کنند و امتیاز بیشتر بگیرند، درحالی که دست ما نبود که شرط بگذاریم. دیدیم که آنها مدتی بعد از امضای برجام تحریم‌ها را برداشتند و بعد دوباره برگرداندند. البته به نظر من یکی از امتیازات ما تحریم متقابل آمریکا بود چون تحریم اصلا سیاست مجازی نیست و علیه ملت‌ها است و نباید به عنوان یک اقدام دوجانبه مطرح شناخته بشود. اما من چیزی نسبت به دولت فعلی تغییرنکرده است، حتی تحریم‌ها شدیدتر شده و گاهایی که به دلیل مرور برداشتنیم باعث شد که باید‌ن هم به رغم همه فول‌هایی که داده بود

> برخی خود به جایگاهی رسیده و پست و مقامی دارند و از درد و گرفتاری مردم خبری ندارند. مردم امروز به صلح و آرامش و کار و تولید و صنعت و رفاه و سلامت و بهداشت و آموزش نیاز دارند. ایران امروز به توهمات عده‌ای که در خود غوطه‌ورند نیازی ندارد

در برخی زمینه‌ها دارای هوشیاری هستند و در مقابل در زمینه‌هایی نیز از هوشیاری کافی برخوردار نیستند.

چرا معتقدید هیچ تغییری در رویکرد دو دولت در زمینه سیاست خارجی رخ نداده در حالی که دولت سیزدهم منتقد جدی دولت گذشته بوده است؟

سیاست‌ها و روش‌ها همان است و هیچ تغییری نداشته است. تنها وزیر خارجه تغییر کرده و کارگزاران پس از وزیر همان کارگزارانی هستند که در دولت گذشته حضور داشتند. این در حالی است که تصمیم گیران اصلی همین کارگزاران هستند. توصیه می‌کنم آقای رئیسی در وضعیت خود بازنگری کند و جهان امروز را با مقتضیات امروز مشاهده کنند و نه با نگاه پنجاه سال گذشته. دنیای سیاست وسیع‌تر از دنیای اصلاح‌طلبان و اصولگرایان است. شاید بتوان در عرصه داخلی از اصولگرایی و اصلاح‌طلبی صحبت کنید که از نگاه من هیچ تفاوتی باهم ند